

نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)

جعفر حسینی^{۱*}، نسرين مهرا^۲

۱. فارغ‌التحصیل دوره دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲)

چکیده

جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌کند و باید این دسته از جرایم با سیاست جنایی جامعی کنترل شود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، درحالی‌که نظام حقوقی به‌ویژه حقوق کیفری ایران تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار به روش «تبیین حصری مصادیق» مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. اما به دلیل ابهام در مصادیق، عدم جامعیت مصادیق و فقدان معیار خاص برای تمییز جرایم اقتصادی از سایر جرایم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است. این نوشتار با تبیین مفهوم نوین جرم اقتصادی و ارائه تعریف جدید و کل‌نگر از آن، به بررسی و نقد مفهوم جرم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

تعریف ساختاری از جرم اقتصادی، جرم اقتصادی در ایران، حقوق کیفری اقتصادی.

مقدمه

در حال حاضر جرایم اقتصادی به یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی تبدیل شده و دولت‌ها را نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در تمام سطوح اجتماعی به چالش کشیده است. ایجاد نابرابری در فرصت‌ها و اختلال در رقابت منصفانه، کاهش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در بخش تولید و رکود صنعتی، رانت‌خواری و ملاحظات سیاسی در تصمیم‌گیری‌های کلان و در نتیجه ابتلای نظام سیاسی به فساد مالی به‌منظور حفظ قدرت، ناکارآمدی اقتصادی و در نتیجه فقدان ثبات اقتصادی، بخشی از نتایجی‌اند که در اثر این جرایم به‌ویژه فساد در بخش دولتی در کشورهای مختلف تجربه شده‌اند (آکرمن، ۱۳۸۸: ۲۹۴؛ آکرمن، ۱۳۸۵: ۸؛ سن، ۱۳۹۱: ۴۱۶).

این آثار منفی به‌علت ارتباط و تعامل گسترده کشورهای، نظام اقتصادی دیگر کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقتصاد جهانی را از روند سالم خود باز می‌دارد. کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل در پیامی به همایش جهانی مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳ م تأکید کرد: «آگاهی روزافزونی به‌وجود آمده است که فساد آسیب‌های فراملی بسیاری را به‌وجود می‌آورد. فساد اقتصادهای ملی را تضعیف می‌کند، نهادهای سیاسی دموکراتیک را تهدید می‌کند، به حاکمیت قانون آسیب می‌رساند و تهدیدات دیگر علیه امنیت بشری مانند جرایم سازمان‌یافته و تروریسم را تسهیل می‌کند» (Webb, 2005: 192).

مطالعات جرم‌شناختی نیز نشان می‌دهد که این معضل یک واقعیت عینی است؛ شکست نظام هنجاری سنتی و ایجاد فضای آنومیک به‌ویژه در جوامع گذار از رویکرد دورکیم (دورکیم، ۱۳۸۸: ۳۲۵)، فشارهای ناشی از ساخت کاملاً اقتصادی‌شده جوامع و فقد ابزار مشروع کسب منافع اقتصادی از رویکرد مرتون (برنارد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۳)، آنومی ساختاری اجتماعی و هدایت ناهنجار و وارونه‌شده نظام فرهنگی توسط هنجارهای اقتصادی که کسب ثروت به هر روش را توجیه می‌کند، در اندیشه‌های مسنر-روزنفلد^۱ و فرهنگ ابزارانگاران اقتصادهای مدرن از دیدگاه پولانی^۱ به‌صورت

۱. مسنر و روزنفلد گستره نظریه آنومی را فراتر از رویکرد محدود فشار میان ساختار و فرهنگ که بر نابرابری‌های ساختاری تمرکز دارد، بسط دادند. آنها ادعا کردند که تمام نهادهای اجتماعی از عدم توازن فرهنگی و ساختاری درون نظام اقتصادی و نیز عدم توازن میان اقتصاد و سایر حوزه‌های اجتماعی متأثرند. بنابراین باید نظام اقتصادی و نیروی بازار در دل نهادهایی که آنها را تعدیل و میان آنها و سایر بخش‌های اجتماعی توازن ایجاد می‌کنند، جای گیرند. آنومی ساختاری زمانی به‌وجود می‌آید که نظام اقتصادی در دل سایر نهادهای اجتماعی ادغام نشود و علاوه بر آن مدل‌های رفتاری اقتصادی و فرهنگ و ارزش‌های بازاری بر سایر بخش‌ها و نهادهای حیاتی جامعه مانند خانواده، آموزش و نظام رفاهی غالب شود. کالایی شدن به حوزه اجتماعی یا نظام رفاهی که باید در آن ارزش‌های غیرکالایی حاکم باشد می‌تازد، درحالی‌که ارزش‌های غیرکالایی در شکل رفاه و خدمات عمومی رو به کاهش است.

علمی نشان می‌دهد که جوامع امروز زمینه‌های لازم برای پدیداری بحرانی به نام «جرایم اقتصادی» را دارند. نتایج تحقیقات کمی و آماری نیز نشان می‌دهد این جرایم در سراسر دنیا شیوع شایان توجهی دارند. در نخستین پیمایش جهانی جرایم اقتصادی در سال ۲۰۰۳ م که با مطالعه بیش از ۵۵۰۰ شرکت از سراسر دنیا انجام گرفت، مشخص شد که حدود ۴۵ درصد این شرکت‌ها در دو سال منتهی به پیمایش، بزه‌دیده یکی از اشکال مهم جرایم اقتصادی بوده‌اند (Bussmann, 2003:1130). کشور ما نیز نه تنها از این وضعیت مستثنا نیست، بلکه دلایل عدیده‌ای نیز وجود دارد که امکان وقوع این جرایم و تأثیر آنها در نظام اقتصادی ایران را مضاعف می‌کند. اقتصاد ایران اقتصادی است که در عمل با حضور همزمان دولت و بخش خصوصی شکل گرفته است. ولی این ترکیب مبتنی بر مبنای فکری مشخصی نبوده است و ترکیب نامناسبی از برنامه، بازار و سنت در آن مشاهده می‌شود (رنانی، ۱۳۸۹: ۱۵). از این رو مبتلا به یک بدسازمانی ساختاری است که بسیار معد رفتارهای مجرمانه است. دولت حجیم با شرکت‌های بسیار بزرگ و در عین حال زیان‌ده و ناکارآمد، وقوع نظام اقتصادی در وضعیت گذار^۲ از اقتصاد دولتی به خصوصی، فقدان نظام حقوقی شفاف و پویا به‌ویژه در حوزه ثبتی و بانکی، قانون‌گریزی و رانت‌خواری، فقدان سرمایه اجتماعی در حوزه اقتصادی، نظام انتخاباتی غیرحزبی مبتنی بر هزینه‌کرد شخصی فعالان سیاسی، فقدان امکانات و اختیارات کافی نهادهای نظارتی، وابستگی اقتصاد به صادرات نفتی^۳، فقدان رسیدگی تخصصی و

جدایی اقتصاد از نهادهای اجتماعی و غلبه ارزش‌های بازاری تأثیر مستقیم و قوی بر تمام جرایم به‌ویژه جرایم اقتصادی دارد (Rosenfeld & Messner, 2013: 58-62).

۱. به نظر پولانی نظام اقتصادی مدرن با نظام‌های اقتصادی پیش از آن تفاوت بنیادین دارد. نظام‌های پیشین به‌وسیله نهادهای اجتماعی عدیده‌ای مانند خانواده، مذهب، سنت و حقوق تنظیم می‌شدند و خواست‌های فردی به‌وسیله این نهادها کنترل می‌شدند، درحالی‌که در اقتصادهای مدرن، نظام اقتصادی، فرهنگ خاص خود را دارد و کمتر تابع سایر نهادهای اجتماعی است و حتی بر آنها نیز تأثیر می‌گذارد و فرهنگ عمومی جامعه را به فرهنگ ابزارانگار تبدیل می‌کند. ناکارآمدی نهادهای تنظیم‌گر اجتماعی و یک اقتصاد بی‌قید زمینه‌های لازم برای افزایش رفتارهای خودخواهانه و مجرمانه را فراهم می‌آورد (Bernburg, 2002: 731).

۲. در دوره گذار ویژگی‌های خروج از ثبات و خودکنترلی و عدم شکل‌گیری کامل نهادهای جدید و وضعیت آنومیک ناشی از این گذار به‌همراه فرایندهایی مانند مقررات‌زدایی به‌منظور تسهیل کسب‌وکار، خصوصی‌سازی یا ملی‌سازی، تغییرات سیاست‌های فراملی اقتصادی و ... که در دوره گذار از سوی دولت‌ها اتخاذ می‌شود، نظام اقتصادی را بیشتر مستعد جرایم اقتصادی و فساد اداری-مالی می‌کند (Budima, 2006: 411).

۳. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد از درآمدهای صادراتی و ۶۰ درصد از درآمدهای دولت در بودجه سالانه ناشی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت یا وابسته به آن است. درآمدهای ناشی از منابع طبیعی به‌علت اینکه منشأ مردمی ندارند، موجب پرسش از دولت نمی‌شود و چون میزان دقیق آن مشخص نیست، در صورت ابهام در قوانین و روش‌های حسابداری و حسابرسی، فاقد شفافیت کافی است و زمینه بالایی برای فساد دارد. همچنین سیاست‌هایی مانند ایجاد ارزهای چند نرخ و تلاش برای توسعه برخی صنایع و سیاست‌های حمایتی مانند

اطالعه دادرسی در نظام قضایی، روش بودجه‌ریزی برنامه‌ای، مرزهای جغرافیایی گسترده و موقعیت جغرافیایی ایران^۱ و ضعف علمی و کاربردی در حوزه فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی، ویژگی‌هایی هستند که نشان می‌دهند نظام اقتصادی ایران کاملاً مستعد ارتکاب جرایم اقتصادی است و هزینه ارتکاب این جرایم بسیار پایین است. نظر به اهمیت کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی که نقش محوری در تعیین چارچوب‌های اصلی نظام حقوق کیفری دارد، بررسی و نقد مفهوم جرم اقتصادی در این قانون ضرورت اساسی برای مبارزه با این جرایم و نیز اصلاحات آتی از سوی مقنن است. از این رو باید پرسید آیا مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، مفهومی جامع و روشن است؟ آیا این مفهوم پاسخگوی ضرورت‌ها و نیازهای نظام حقوقی قضایی کشور است؟ در این زمینه ابتدا با مرور تعاریف جرم اقتصادی، در ادبیات فعلی حقوقی، یک تعریف نوین با رویکرد ساختاری به عنوان تعریف الگوی این نوشتار، ارائه می‌شود. سپس با بررسی مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، ایرادها و انتقادهای وارد بر آن تحلیل خواهد شد.

گفتار اول - مفهوم جرم اقتصادی

الف) مفهوم جرم اقتصادی در ادبیات حقوقی

در ادبیات حقوقی فعلی، برای تعریف مفهوم «جرم اقتصادی» از معیارهای متعددی استفاده می‌شود که چهار دسته تعریف را به وجود می‌آورد:

۱. **تعریف جرم به اعتبار مرتکب جرم:** در این دسته از تعاریف انگیزه مالی مرتکب، موقعیت و حرفه اقتصادی مرتکب یا شخصیت حقوقی تجاری مرتکب، محور تعریف جرم اقتصادی قرار می‌گیرند. برای مثال «جرم اقتصادی جرمی است که برای به دست آوردن منافع مادی و اقتصادی صورت می‌گیرد» یا «جرم اقتصادی جرمی است که توسط فعالان اقتصادی در طی فعالیت

وام‌های کم‌بهره و تخصیص ارز مرجع به برخی صنایع موجب ایجاد فضای رانتی می‌شود. از سوی دیگر، تلاش برای ادامه فضای مبتنی بر فساد و رانت از سوی صاحبان چنین منافعی با ابزارهایی مانند رشا و ارتشا و حتی تهدید و اعمال زور موجب تضعیف حکمرانی خوب می‌شود و سیاست‌های جانبدارانه مغایر منافع عموم را به اقتصاد تحمیل می‌کند. به این ترتیب تداوم وابستگی دولتمردان و افراد نزدیک به ایشان به درآمدهای کسب‌شده از منابع طبیعی موجب تغییرات شایان توجه در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود (برای اطلاع بیشتر رک: یدالله‌زاده طبری، ۱۳۷۹: ۲۰۷؛ کریم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۵؛ نظری، ۱۳۸۹: ۵۱).

۱. مسیری که طی آن مواد مخدری مانند هروئین از افغانستان، ایران، عراق و ترکیه به سمت اروپای غربی قاچاق می‌شود، در ادبیات حوزه جرم‌شناسی جرایم مرتبط با مواد مخدر تحت عنوان داس طلایی (Golden Sickle) شناخته می‌شود که وفق آمارهای موجود مسیر ۸۵ درصد از هروئینی است که به اروپای غربی قاچاق می‌شود (Bruinsma & Bernasco, 2004: 84).

اقتصادی برای به دست آوردن منافع و امتیازهای غیرقانونی اقتصادی صورت می‌گیرد». در برخی از این تعاریف تحصیل عینی عواید مالی و منافع اقتصادی نیز وارد می‌شود (Davies, 2003, 284-287).

۲. **تعریف جرم به اعتبار بزه‌دیده جرم:** با توجه به اینکه تعریف به اعتبار مرتکب نقایصی داشت مانند اینکه اگر فرد عادی علیه یک شرکت اقتصادی جرمی را مرتکب شود در شمول جرم اقتصادی قرار نمی‌گرفت، دسته دیگری از تعاریف، به اعتبار بزه‌دیده جرم شکل گرفته‌اند. متناظر با تعاریف دسته قبلی ورود خسارت مادی واقعی به بزه‌دیده، موقعیت و حرفه اقتصادی بزه‌دیده یا شخصیت حقوقی تجاری وی، محور این دسته از تعاریف بود. براساس این رویکرد جرم اقتصادی رفتاری است که به یک فعال اقتصادی خسارت مالی و اقتصادی وارد می‌کند (Ibid).

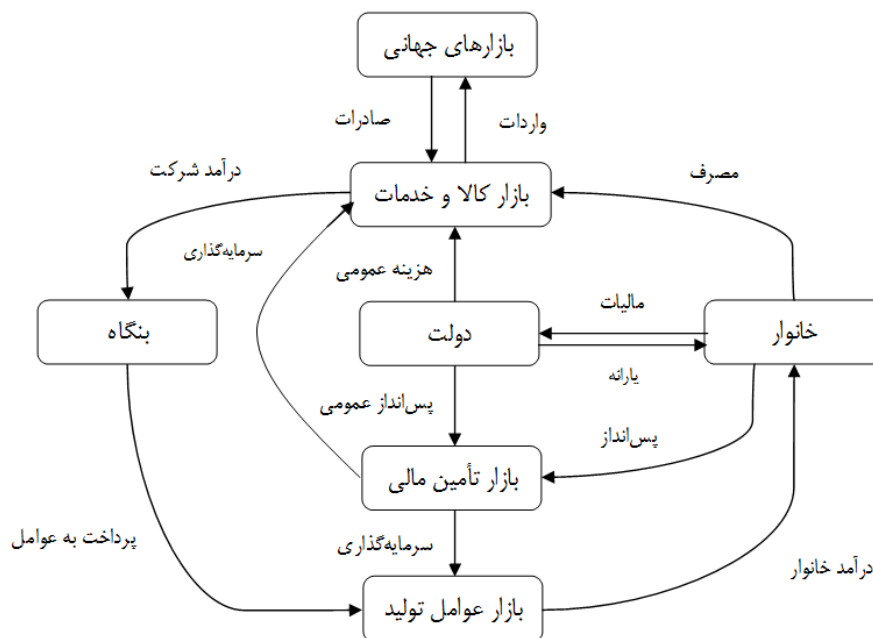
۳. **تعریف جرم به اعتبار آثار و خسارت ناشی از جرم:** تعاریف مذکور تمایز خاصی بین جرایم مالی و اقتصادی ایجاد نمی‌کرد. همچنین شامل جرایم اقتصادی زیادی که بزه‌دیده خاص نداشت، نمی‌شد. از این رو دسته سومی از تعاریف ارائه شده‌اند که در آنها بر این تمایز و تأکید بر آثار اقتصادی این نوع جرایم نسبت به جرایم مالی تمرکز شده است. ارتکاب رفتاری علیه نظام اقتصادی یا منافع اقتصادی عمومی مانند محیط زیست منجر به اخلال در نظام اقتصادی، ایجاد خسارت کلان مادی بیش از سطح مشخص قانونی یا عرفی در تمایز با جرایم ساده مالی، محور این دسته از تعاریف را شکل می‌دهند (Ibid). در این تعاریف سایر جرایم مشتمل بر خسارت مادی کماکان در قالب جرایم مالی بررسی می‌شوند.

۴. **تعریف جرم به اعتبار فرایند ارتکاب جرم اقتصادی:** نظر به اینکه هیچ‌یک از تعاریف مذکور تمام مصادیق جرم اقتصادی را شامل نمی‌شوند، دسته دیگری از تعاریف حول این محور شکل گرفته‌اند که جرم اقتصادی رفتاری کیفری است که طی یک فرایند و تعامل اقتصادی صورت می‌گیرد (دادخدايي، ۱۳۸۹: ۶۲-۵۵).

ب) تعریف ساختاری از مفهوم جرم اقتصادی

با وجود تلاش‌های مذکور، هنوز هم برای مفهوم «جرم اقتصادی» تعریف مورد اجماعی وجود ندارد. به نظر می‌رسد اشکال تعاریف مذکور در بی‌توجهی به ارتباط حقوق کیفری با ساخت پیچیده نظام اقتصادی است. با این توضیح که با یک رویکرد عمل‌گرا می‌توان گفت «نظام حقوقی مجموعه‌ای از نهادها و فرایندهاست که استفاده قاعده‌مند از سلطه حاکمیت برای تنظیم و هماهنگی نهادها و روابط مهم جامعه را شکل می‌دهد». به طور منطقی رابطه مستقیمی بین شدت قدرت به کاررفته و اهمیت نهادها و روابط اجتماعی وجود دارد. از این رو حقوق کیفری که صرفاً برای تضمین اساسی‌ترین الزامات اجتماعی به کار می‌رود عبارت است از «استفاده قاعده‌مند از سلطه حاکمیت،

جهت تضمین الزام‌های اساسی جامعه با ضمانت اجرای سلب حقوق بنیادین تابعان قانون». در این صورت «رفتاری که یک الزام اجتماعی اساسی را به شکل اساسی نقض کند جرم محسوب می‌شود». با توجه به تعاریف مذکور، باید الزامات اساسی نظام اقتصادی به‌عنوان موضوع حمایت جرایم اقتصادی شناسایی شوند تا مفهوم جرم اقتصادی با وضوح بیشتری تبیین شود. درک این الزامات مستلزم درک ساختار نظام‌های نوین اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین راهنمای شناسایی جرایم اقتصادی است. الگوی کلی این ساختار به‌صورت زیر است:



الگوی نظام اقتصادی مختلط

چنانکه ملاحظه می‌شود یک‌سری نهادها و فرایندها و بایدهای هنجاری لازم است که این نظام^۱ به‌صورت مطلوب کار کند که برخی از این امور به اندازه‌ای اساسی‌اند که ارزش حمایت کیفری دارند. این الزامات عبارت‌اند از:

۱. شایان ذکر است نظام‌های نوین اقتصادی، طی تحولات اجتماعی قرن نوزدهم و بیستم و با اندیشه‌های کلاسیک به‌تدریج شکل گرفتند، اما پس از بحران بزرگ اقتصادی در سال ۱۹۲۹م و تلاش‌های علمی اقتصاددانان انگلیسی «جان مینارد کینز» و تبیین جایگاه نسبتاً دقیق دولت و بخش خصوصی در نظام اقتصادی و برقراری اندیشه‌های مرتبط با نظام اقتصادی مختلط، قوام یافتند. اقتصاد مختلط اقتصادی است که با حضور همزمان دولت و بازار (بخش خصوصی) شکل گرفته و در حال حاضر شایع‌ترین نظام اقتصادی در تمام کشورهای دنیا است.

نهاده‌ها: دولت و نهادهای مرتبط با آن مانند سازمان مالیات و بانک مرکزی، شرکت‌ها، نهادهای اصلی تأمین مالی مانند بانک، بورس و شرکت‌های تأمین سرمایه، بازار کالا و خدمات.

فرایندها: واردات و صادرات، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، مصرف.

الزامات هنجاری^۱: احترام به مالکیت خصوصی، رقابت، شفافیت، اعتمادپذیری، عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی، ثبات اقتصادی، برابری فرصت‌ها، قانون‌گرایی و اصل حاکمیت قانون.^۲ از این رو می‌توان حوزه‌های اصلی جرایم اقتصادی را به صورت زیر برشمرد:

جرایم بخش عمومی و فساد اداری-مالی و معاملات دولتی و بودجه‌ریزی (حقوق تأمین مالی عمومی)، جرایم علیه زیرساخت‌ها و اموال عمومی، دارایی‌ها و سرمایه‌های عمومی مانند نفت و گاز و محیط زیست، جرایم حوزه خصوصی‌سازی، جرایم مالیاتی، جرایم بازار کالا و خدمات و جرایم مرتبط با اخلاص در رقابت و ایجاد کارتل و انحصار، اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های خارج از چارچوب قانون، قاچاق کالا و ارز و کالاهای غیرقانونی، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده، جرایم علیه نظام تولید و صنایع، جرایم بازار نیروی کار، جرایم حوزه بازار سرمایه (تأمین مالی) و بورس، جرایم بانکی و پولی، جرایم شرکتی، جرایم مرتبط با بازرگانی داخلی و تجارت بین‌الملل (واردات و صادرات)، جرایم مرتبط با دست‌کاری و تقلب در اسناد تجاری و مالی و جرایم علیه شفافیت اقتصادی، جرایم

۱. گزارشی از صندوق بین‌المللی پول در ۱۲ فوریه ۲۰۰۱ در مورد سوء استفاده از نظام تأمین مالی منتشر شد که تأکید می‌کند: «عملکرد مؤثر بازارهای تأمین مالی به شدت به انتظار رعایت و اجرای قوانین حرفه‌ای و استانداردهای اخلاقی بستگی دارد. حسن شهرت برای رفتارهای بی‌عیب و نقص -درستی، صداقت، وفاداری به استانداردها و کدهای رفتاری- یکی از ارزشمندترین دارایی‌های سرمایه‌گذاران، نهادهای تأمین مالی و نهادهای قضایی و داور است». از این رو آشکارا از دست رفتن اعتماد موجب تضعیف بازار تأمین مالی می‌شود. چنانکه تقلبات مالی در پرونده‌های اینترن و ورلدکام چنین تأثیری بر بازار تأمین مالی آمریکا داشت. به‌ویژه این جرایم بزه‌دیده خاص ندارد و نوعاً موجب از دست رفتن اعتماد بازار و کارایی آن در نزد فعالان اقتصادی می‌شود. این عدم اعتماد موجب کاهش استفاده از بازارهای تأمین مالی شده و سرمایه لازم برای تولید و توسعه اقتصادی فراهم نمی‌شود (Pratt, 2004: 66).

۲. اختلالات بازار در صورتی که با بی‌اعتمادی، حس ناامنی و ترس از بزه‌دیدگی و نگاه بدبینانه به قواعد حقوقی همراه باشد، نوعی نیروی منفی تسلسلی تحت عنوان سندروم آنومی بازار ایجاد می‌کند. چنین شرایطی موجب خلق مفاهیم ساختار نامنصفانه، بی‌عدالتی ساختاری و ... می‌شود و حاضران در بازار خود را به عنوان برندگان و بازندگان ساخت بازار می‌دانند. از این رو این سندروم با توجه به زمینه ادراکی‌اش سبب می‌شود که بازار و تحولات اقتصادی آن به عنوان گنجینه فرصت‌های اقتصادی با هر روشی فرض شود که در نتیجه آثار منفی نقایص بازار، فعالان اقتصادی را به سوء استفاده از فرصت و انجام رفتارهای مجرمانه متمایل می‌کند. چنین نگاهی موجب گریز شهروندان از قانون و مقررات و گرایش بیشینه ایشان به ارتکاب جرایم اقتصادی و رفتارهای غیرقانونی در بازار می‌شود (Karstedt & Farral, 2006: 1017).

علیه استانداردها و فعالیت بدون توجه به مجوزهای لازم، جرایم گمرکی، جرایم علیه مالکیت فکری، جرایم علیه اموال و مالکیت به‌ویژه کلاهبرداری و تقلبات مالی. از این رو «جرایم اقتصادی مجموعه رفتارهایی هستند که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرایندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند»^۱. بنابراین «نظم اقتصادی» موضوع اصلی حمایت کیفری خواهد بود.

ب) روش تبیین حصری مصادیق برای تعریف جرم اقتصادی

با توجه به اشکالات و اختلافات موجود در زمینه تعریف جرم اقتصادی، در قوانین و اسناد کاربردی حقوقی برای شناسایی جرایم اقتصادی از روش «تبیین حصری مصادیق» در کنار تعریف مفهومی جرم اقتصادی یا به‌عنوان روشی مستقل استفاده می‌شود. شورای اروپا نیز طی «توصیه‌نامه شماره ۱۲- (۸۱) کمیته وزرای شورای اروپا به دولت‌های عضو در خصوص جرایم اقتصادی (۲۵ ژوئن ۱۹۸۱)»^۲ از روش تعریف کلی عدول کرده و به تبیین مصادیق پرداخته است. وفق ضمیمه این رهنمود جرایم اقتصادی عبارت‌اند از:

جرایم کارتلی^۳: اقدامات مشتمل بر تقلب و کلاهبرداری و سوء استفاده از موقعیت توسط شرکت‌های چندملیتی؛ کسب متقلبانه امتیازها از دولت یا نهادهای بین‌المللی یا سوء استفاده از آنها؛

جرایم رایانه‌ای^۴ (مانند سرقت داده، تجاوز به اسرار، دست‌کاری داده‌های رایانه‌ای)، بنگاه‌های تقلبی، جرایم جعل و دست‌کاری ترازنامه‌های مالی و اسناد حسابداری شرکت؛ تقلب مرتبط با موقعیت اقتصادی و سرمایه مشترک شرکت‌ها؛ تجاوز به استانداردهای امنیت و سلامت کارگران در شرکت؛

۱. برای اطلاع بیشتر از تعاریف ارائه شده در این قسمت در مورد نظام حقوقی، حقوق کیفری، جرم و جرایم اقتصادی ر.ک: حسنی، ۱۳۹۳: ۸۱ و ۱۲۰.

2. Recommendation: No. R (81) 12 of the Committee of Ministers to Member States on Economic Crime (25 June 1981)

برای دیدن متن کامل ترجمه شده سند فوق ر.ک: حسنی، همان: ۱۵۲.

۳. م- اتحاد شرکت‌ها برای ایجاد انحصار یا تبانی در قیمت.

۴. م- با توجه به سال تصویب این توصیه‌نامه (۱۹۸۱) و تغییرات بعدی در حوزه جرایم مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات که دامنه و مصادیق این جرایم را به حوزه سایر کشانید و با توجه به تحولات بعدی در اسناد کمیسیون اروپا اکنون باید از واژه «جرایم سایبری» به جای واژه «جرایم رایانه‌ای» استفاده کرد.

تقلب به منظور آسیب به حقوق بستانکاران (مانند ورشکستگی، تجاوز به حقوق معنوی و صنعتی)؛

تقلب نسبت به مصرف‌کنندگان (به‌ویژه اظهار کذب و گمراه‌کننده در مورد کالا، جرایم علیه سلامت عمومی، سوء استفاده از ضعف و بی‌اطلاعی مشتری)؛

رقابت ناعادلانه (مشمول بر رشاء به یک مستخدم شرکت رقیب) و تبلیغات گمراه‌کننده؛

جرایم مالیاتی و گریز از پرداخت هزینه‌های اجتماعی به‌وسیلهٔ بنگاه‌ها؛

جرایم گمرکی (مانند گریز از پرداخت عوارض گمرکی، نقض محدودیت‌های سهمیه‌ای)؛

جرایم مرتبط با مقررات پولی و وجه رایج؛

جرایم بانکی و بورسی (مانند مبادلهٔ متقلبانهٔ سهام و سوء استفاده از بی‌اطلاعی عموم)؛

جرایم علیه محیط زیست.^۱

گفتار دوم - مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی

بند «ب» مادهٔ ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، شمول مرور زمان را نسبت به جرایم اقتصادی منع کرده و در تعیین مصادیق این دسته از جرایم مقرر می‌کند: «جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصرهٔ مادهٔ (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده». مادهٔ ۳۶ قانون مزبور نیز در خصوص انتشار حکم محکومیت قطعی برخی از جرایم است که در تبصرهٔ آن، انتشار حکم قطعی سیزده دسته از جرایم را که میزان مال موضوع جرم، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، به‌صورت الزامی مورد حکم قرار داده است.^۲ که وفق بند «ب» مادهٔ ۱۰۹ قانون مذکور این سیزده دسته جرم به‌همراه کلاهبرداری، ذیل عنوان «جرایم اقتصادی» قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

«الف - رشاء و ارتشاء، ب - اختلاس، پ - اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث - تبانی در معاملات دولتی، ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ - تعديات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح - جرایم گمرکی، خ - قاچاق کالا و ارز، د - جرایم

۱. با توجه به اینکه در کشورهای غربی، جرایم بخش عمومی اقتصاد تحت عنوان فساد اداری-مالی بررسی می‌شود، فهرست مذکور صرفاً مشتمل بر جرایم بخش خصوصی اقتصاد است. از این‌رو برای استفاده از تجربهٔ سند فوق در یک نظام اقتصادی که دولت نقش پررنگ‌تری دارد، باید فهرستی از جرایم مهم بخش عمومی نیز به آن افزوده شود.

۲. علاوه بر منع مرور زمان و انتشار حکم قطعی محکومیت به شرح فوق، بند «ج» مادهٔ ۴۷ همان قانون نیز شمول تعویق و تعلیق صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم اقتصادی یا مبلغ بیش از یکصد میلیون ریال را منع کرده است. به‌جز این سه ماده در سایر مواد به این مفهوم پرداخته نشده است.

مالیاتی، ذ - پولشویی، ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

چندین نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده مذکور شایان توجه است: قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصادیق همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است. این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص جرایم کلان اقتصادی^۱ نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرر نشان می‌دهد که مصادیق آنها انطباق کامل ندارند.

شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصادیق، حصری است و مانع اطلاق عنوان «جرم اقتصادی» به سایر جرایم می‌شود. از این رو سایر رفتارهای مخل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرایم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت داشته باشند، عنوان «جرم اقتصادی» ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود.

گفتار سوم - نقد و ارزیابی مفهوم جرم اقتصادی در قانون جدید

با اینکه تلاش برای تعریف جرم اقتصادی و تدوین سیاست جنایی مناسب در برابر آن، چنانکه در مقدمه گفته شد، برای جوامع امروز و به ویژه نظام حقوقی ایران یک ضرورت است و از این نظر اقدام مقنن در قانون جدید یک گام مثبت تلقی می‌شود، اما این تلاش در چارچوب کل نگر و جامع نبوده و با ایرادهای شایان توجهی همراه است. در واقع این تلاش به گونه ای نیست که مبنای حداقلی برای برقراری سیاست جنایی مطلوب اعم از پیشگیری و بازدارندگی در برابر این جرایم به وجود آورد. فارغ از اینکه این مفهوم ابتدا در ماده ۴۷ قانون مذکور به کار گرفته شده است ولی در ماده ۱۰۹ همان قانون تبیین شده و ترتیب منطقی تعریف، رعایت نشده است، مهم ترین اشکالات وارد بر این مفهوم عبارتند از:

۱. بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۴۲۵۷۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۷ رئیس قوه قضاییه: «... منظور از جرایم کلان اقتصادی عبارت است از رشوه، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اهمال منجر به تضییع اموال دولتی و بیت المال، تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی، اعمال نفوذ بر خلاف حق و قانون، پول شویی، جرایم مرتبط با بورس، اخلال در نظام اقتصادی، قاچاق کالا، تحصیل مال نامشروع و تبانی در معاملات دولتی که مبلغ خسارت ناشی از جرم وارده به بیت المال و منافع عمومی بیش از ده میلیارد ریال یا معادل آن باشد ...».

الف) فقدان هدف مشخص در وضع مفهوم جرم اقتصادی

نظام‌های اقتصادی دارای سطح جرایم اقتصادی بالا به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند: نظام‌های اقتصادی دارای اختلال کارکردی و ساختاری، نظام‌های اقتصادی پیچیده و پویا با اختلالات جزئی کارکردی و ساختاری.

در نظام‌های اقتصادی دسته اول صرف افزایش شدت و قطعیت مجازات نه تنها موجب کاهش جرایم اقتصادی نمی‌شود، بلکه حتی با ایجاد نااطمینانی و افزایش ریسک و فرار سرمایه یا تصمیم به توقف نهادهایی که مورد سوء استفاده بوده است، مانند ضمانت‌نامه‌های بانکی، اسناد اعتباری و ... فعالیت‌های جاری اقتصادی نیز دچار اختلال می‌شود و زمینه افزایش جرایمی مانند صدور چک پرداخت‌نشده، کلاه‌برداری، فروش مال غیر و متواری شدن متهمان افزایش می‌یابد. بنابراین اصلاح کارکردی و ساختاری سیاست جنایی مطلوب در این نظام‌هاست. بسته به نوع اختلال کارکردی این نظام‌ها، برنامه‌های اصلاحی می‌تواند هر چهار کارکرد نظام اقتصادی را در برگیرد و از آموزش‌های عمومی و تخصصی و اطلاع‌رسانی تا تغییر ساختار و نسبت بازار و برنامه مانند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، تغییر روش مالیاتی مانند ایجاد نظام مالیات بر ارزش افزوده و تغییر نظام بودجه‌ریزی از برنامه‌ای به عملیاتی را شامل شود.

در نظام‌های اقتصادی دسته دوم که با توجه به نیازها و تحولات نظام اجتماعی، نهادها و فرایندهای اقتصادی نیز به اندازه قابل قبولی تحول یافته و پیچیده شده‌اند، با این حال آمار جرایم اقتصادی بالاست، تنها یک نتیجه عقلی می‌توان گرفت و آن این است که حقوق کیفری به اندازه کافی قطعیت و شدت ندارد. به همین دلیل به عنوان عامل بازدارنده در محاسبات مجرمان وارد نمی‌شود. از این رو اصلاح حقوق کیفری و افزایش شدت و قطعیت مجازات و نهادهای نظارتی آنچنان که مکتب نئوکلاسیک ادعای آن را دارد، مؤثرترین برنامه خواهد بود. به عبارت بهتر در نظام‌های دسته اول برنامه‌های پیشگیرانه اصلاحی و در نظام‌های دسته دوم برنامه‌های بازدارنده کیفری مانند سیاست تسامح صفر، سیاست جنایی مطلوب را شکل می‌دهد.

البته نتیجه بالا برای تأکید بر اولویت‌بندی برنامه‌هاست و نافی این نیست که برنامه‌های اصلاحی و پیشگیرانه همزمان با برنامه‌های کیفری اعم از جرم‌انگاری جدید یا تشدید کیفرهای موجود، اعمال شود. به‌ویژه اگر یک نظام اقتصادی حد وسط شرایط مذکور باشد، یعنی اقتصادی باشد که هم به لحاظ نهادسازی و هم هماهنگی میان نهادها دارای آسیب‌های بخشی باشد و نه کلی، می‌تواند از برنامه‌های کیفری و اصلاحی به‌صورت همزمان استفاده کند. در انتهای دهه ۱۹۹۰ در سوئد و فنلاند این رویه اتخاذ شد و برنامه کنترل جرایم اقتصادی در این دو کشور مشتمل بر

برنامه‌های جامعی بود که هم اصلاحات ساختاری و کارکردی نهادها و هم جرم‌انگاری اقتصادی گسترده‌ای را شامل می‌شد.^۱

روش اتخاذی قانون جدید هیچ‌یک از اهداف مذکور را دنبال نمی‌کند و حتی در زمینه بازدارندگی نیز قواعد شایان توجهی در مقابله با این دسته جرایم ندارد. چنانکه گفته شد، وضع جرایم اقتصادی، با سه حکم خاص مواجه شده است:

انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها که با توجه به تنوع و حجم رسانه‌های مختلف از جمله روزنامه‌های کثیرالانتشار، این سبک از انتشار که بدون قاعده خاصی است و عملاً موجب اطلاع عمومی نمی‌شود، جز در خصوص افرادی که شهرت عام دارند، موجب بازدارندگی نخواهد بود.

۱. در فنلاند از ابتدای دهه ۱۹۹۰ بحران اقتصادی گسترده‌ای پدید آمد که با برنامه‌های ریاضتی - که سطح رفاه مردم را کاهش داد- و نیز بیکاری قابل توجه مواجه شد. این بحران تا حدودی به دلیل شکست بانک‌هایی بود که بعضی از مالکان، اعضای هیأت مدیره و مدیران آنها در اقدامات غیرقانونی و مجرمانه مشارکت می‌کردند. گسترش سایر اشکال جرایم اقتصادی نیز وضعیت را به جایی رساند که جرم اقتصادی به عنوان یک معضل اجتماعی و اقتصادی تصویر شد که ساختار اصلی اخلاقی جامعه فنلاند را نابود می‌کند. در سال ۱۹۹۶ دولت فنلاند یک برنامه عمل جامع (Action Plan) برای مبارزه با جرایم اقتصادی و اقتصاد غیررسمی طی یک برنامه زمانی سه ساله محتوی یک سری طرح اصلاحی تدوین کرد. در این برنامه عمل، تعریف پلیس از جرایم اقتصادی اتخاذ شد که وفق آن «جرم اقتصادی رفتار جرم‌انگاری شده‌ای است که در بطن یک شرکت یا سازمان یا با استفاده از آنها صورت می‌گیرد». اقتصاد غیررسمی یا غیرقانونی نیز به «فعالیت‌هایی گفته می‌شود که مالیات یا عوارض قانونی آن پرداخت نمی‌شود اعم از اینکه به صورت مخفیانه انجام شود یا اطلاعات نادرست، غیرواقعی یا ناکافی درباره آن فعالیت ارائه شود». در این برنامه عمل بخش عمده‌ای از تقنین مرتبط با جرایم اقتصادی مشتمل بود بر جرم‌انگاری جدید یا اصلاحی در مورد جرایم مرتبط با اسناد مالکیت و اوراق قرضه، جرایم بدهکاران عمده، تقلبات مرتبط با یارانه، پولشویی و فرار مالیاتی. در کنار این جرم‌انگاری‌های جدید، قوانینی برای افزایش توان کنترل و پیشگیری از جرایم اقتصادی به تصویب رسید؛ برای نمونه در مورد قواعد ورشکستگی، ثبت شرکت‌ها و آیین‌های اخذ بدهی‌ها. قوانین رازداری بانکی، قانون شرکت‌ها، قانون ثبت شرکت‌ها و قانون آیین رسیدگی مالیاتی و مقررات مرتبط با تبادل اطلاعات میان نهادهای حکومتی همگی اصلاح شدند؛ اختیارات جدیدی برای دادستان‌ها در زمینه جرایم اقتصادی مقرر گردید و نهادهای بازرسی اصلاح شد؛ تعداد پلیس‌های تخصصی و آموزش‌های تخصصی آنها نیز افزایش یافت؛ سایر نهادهای مقررات‌گذاری مانند اداره مالیات و گمرک، دخالت خود را در بازرسی جرایم اقتصادی افزایش دادند؛ نهادهای دائم و موقتی برای برقراری تعامل میان مقامات متعدد ایجاد شدند؛ بودجه اضافی لازم پیش‌بینی شد. در دسامبر ۲۰۰۰ وفق تصمیم قانونی دولت یک نیروی عمل (task-force) برای ارتقای همکاری میان ادارات -متشکل از تعدادی از ادارات دولتی- تشکیل شد؛ بودجه‌های پژوهشی مناسبی برای تحقیقات آکادمیک اختصاص داده شد. این برنامه هر سه سال یکبار بازبینی و اصلاح می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ دولت فنلاند ۱۵۳ میلیون مارک فنلاند (۳۰ میلیون دلار) برای اجرای این برنامه‌ها هزینه کرد (Alvesalo, 2002: 23 ; Alvesalo, 2004: 166).

منع شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات که اساساً این تأسیسات هیچ‌گاه در رویه قضایی ایران، نهادهای حقوقی پرکاربردی نبوده‌اند.

منع شمول مرور زمان که در عمل نیز جرایمی که قبل از مواعد معقول تعیین‌شده برای مرور زمان مورد تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات قرار نگیرد، آثار مطلوب را نخواهد داشت.

این جرایم اثر ویژه و خاصی در تأسیسات حقوقی مانند تخفیف و تبدیل مجازات و به‌ویژه مجازات تبعی و تکمیلی ندارد. مجازات تکمیلی و تبعی بیشترین اثر بازدارندگی را در ارتکاب این جرایم دارند و محرومیت‌هایی مانند ممنوعیت تأسیس هر نوع شخص حقوقی یا مدیریت مستقیم یا غیرمستقیم این نوع اشخاص برای مدت مشخص، محرومیت از داشتن حساب جاری و دسته چک، محرومیت از برخورداری از تسهیلات بانکی یا تأمین سرمایه از طریق مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری، منع خروج از کشور و ... به‌عنوان مهم‌ترین قواعد سیاست جنایی مطلوب در برابر این جرایم اهمیت شایانی دارند که پیش‌بینی خاصی در این زمینه‌ها صورت نگرفته است. در همین زمینه باید افزود که تعیین و احصای مصادیق جرایم اقتصادی در قانون جدید به معنای جرم‌انگاری نیست و مفهوم جرم اقتصادی به‌عنوان یک وصف اضافی به برخی از جرایم موضوعه نظام حقوقی کشور افزوده شده است که با توجه به توضیحات مذکور به‌نظر می‌رسد هدف خاصی را دنبال نمی‌کند و ارزش افزوده خاصی هم برای مبارزه با این جرایم در پی ندارد.

ب) ابهام در مصادیق

علاوه بر این پرسش که آیا شروع به این جرایم یا معاونت در آنها هم جرم اقتصادی محسوب می‌شوند یا خیر، ابهامات دیگری نیز در مصادیق این جرایم وجود دارد که به‌ترتیب جرایم مقرر در قانون، ابهامات هر یک از آنها به شرح زیر است:

۱. علاوه بر مواد ۱ و ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ناظر به کلاهبرداری ساده و مشدد و کلاهبرداری شبکه‌ای، در قوانین موضوعه ایران حدود ۲۵ جرم در حکم کلاهبرداری هم وجود دارد. آیا این جرایم نیز اقتصادی محسوب می‌شوند؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، در آن صورت جرایمی مانند دائر کردن مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی بدون اخذ مجوز موضوع «ماده واحده قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می‌شود» که بیشتر یک جرم فرهنگی است نیز در شمول جرایم اقتصادی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، اگر پاسخ به پرسش مذکور منفی باشد، جرایمی مانند جرایم شرکتهای در حکم کلاهبرداری، مذکور در بندهای مختلف مواد ۹۲ و ۱۱۵ قانون تجارت که به‌وضوح اقتصادی هستند، از شمول جرایم اقتصادی خارج می‌شوند.

۲. جرم رشا و ارتشا وسیله نامشروعی برای رسیدن به هر گونه هدفی است که لزوماً این اهداف اقتصادی نیستند؛ برای مثال جرایم موضوع مواد ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ناظر بر اخذ رشوه توسط داوران و ممیزان و کارشناسان و نیز مقام قضایی جرایمی علیه نظام قضایی و عدالت قضایی اند تا جرایمی اقتصادی.

۳. اختلاس برداشت وجوه عمومی یا سپرده شده توسط مأمور دولت است که می تواند از هر یک از زیربخش های حاکمیت صورت گیرد که در موارد زیادی برداشت وجوه از بخش اقتصادی حاکمیت نبوده و زیان آن متوجه بخش های دیگر است. برای مثال آیا اختلاس از وجوه سازمان ها و نهادهای فرهنگی جرم اقتصادی است؟ همچنین پنج مورد جرم در حکم اختلاس در قوانین موضوعه ایران وجود دارد که سؤال ناظر به جرایم در حکم کلاهبرداری در خصوص آنها نیز مطرح است. آیا جرمی مانند استفاده غیرمجاز از وجوه صندوق بازنشستگی کشوری موضوع تبصره ماده ۱۰۱ قانون استخدام کشوری، جرم اقتصادی محسوب می شود؟

۴. اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی برای اطلاق عنوان «جرم اقتصادی» مقید به تحصیل مال توسط مرتکب یا دیگری شده است. مراجعه به «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» (مصوب ۱۳۱۵/۹/۲۹) سه پرسش ایجاد می کند:

اول اینکه تمام جرایم مذکور در این قانون چهارماده ای، مقید به تحصیل مال نیستند، مانند جرم موضوع ماده ۲ قانون ناظر بر سوء استفاده از روابط خصوصی با مأموران و مستخدمان دولتی و جرم موضوع ماده ۳ همان قانون ناظر بر تأثیر دادن واقعی نفوذ اشخاص در اقدامات یا تصمیمات اداری خود فارغ از دریافت مال. آیا این رفتارها، جرم اقتصادی محسوب نمی شوند؟ ثانیاً جرم موضوع ماده ۱ همان قانون که جرمی مقید است، منحصرأ مقید به تحصیل مال نیست. «تحصیل وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازای اعمال نفوذ نزد مأموران مزبور یا گرفتن وعده و یا تعهدی از او» برای ارتکاب این جرم کفایت دارد. با توجه به معنای محدود مال، بی تردید تحصیل فایده یا گرفتن تعهدی از بزه دیده در شمول عنوان «تحصیل مال» نخواهد بود، در نتیجه عنوان «جرم اقتصادی» نیز بر آن شامل نخواهد شد. آیا جرم واحدی به اعتبار نحوه ارتکاب و نوع عوایدی که برای مجرم دارد، می تواند عناوین و آثار متعددی داشته باشد؟ ثالثاً عنوان قوانین لزوماً با حکم تک تک مواد قانون انطباق کامل ندارد. برای مثال تحصیل مال به ادعای داشتن نفوذ و اعتبار نزد مأمور دولت موضوع ماده ۱ قانون مذکور، ملازمه ای با اعمال نفوذ بر مأمور دولت و حتی داشتن نفوذ یا اعتبار واقعی نزد مأمور دولت ندارد. از این رو اطلاق «اعمال نفوذ» بر چنین رفتاری دشوار است. پرسش این است که با این وصف آیا تمام جرایم مذکور در «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» به عنوان جرم اقتصادی مورد نظر مقنن بوده یا فقط رفتارهایی که عرفاً اطلاق «اعمال نفوذ» بر آنها مقدور است، جرم اقتصادی است. در آن صورت تنها جرم موضوع

ماده ۳ قانون به شرح مذکور که آن هم مقید به تحصیل مال نیست، عرفاً اعمال نفوذ محسوب می‌شود.

۵. عنوان «مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» نیز ایرادات و ابهاماتی دارد. همان‌طور که گفته شد عنوان قانون با حکم مواد، انطباق و ترادف کامل ندارد. از این رو معلوم نیست که آیا مقنن تمام جرایم و ممنوعیت‌های مذکور در «قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری» (مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲) را مدنظر دارد یا دقیقاً مداخله افراد مذکور در همین بند قانونی را مورد توجه قرار داده است؟ شایان ذکر است که در قانون مذکور علاوه بر تمام افرادی که بتوان عرفاً یا قانوناً به آنها اطلاق «کارمند» داشت، اشخاص حقوقی و شرکت‌هایی که این افراد به صورت‌های مقرر در قانون، سهامدار آنها هستند و نیز برخی از اعضای خانواده این افراد نیز با ممنوعیت‌هایی مواجه‌اند که تخلف از آنها وفق ماده ۲ قانون مذکور، جرم تلقی می‌شود. آیا مداخله این اشخاص در معاملات دولتی که در قانون مذکور، جرم‌انگاری شده است، جرم اقتصادی محسوب می‌شود یا صرفاً وفق نص صریح بند «ت» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی صرفاً مداخله اشخاص نامبرده در این بند، جرم اقتصادی است؟

۶. اشکال بند مذکور در خصوص تبانی در معاملات دولتی نیز وارد است. وفق ماده‌واحدۀ قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی (مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹) لازم نیست تبانی‌کنندگان در معاملات دولتی، کارمند دولت باشند و این جرم با تبانی اشخاص عادی نیز قابل ارتکاب است. اما ذیل ماده‌واحدۀ انجام معامله مشتمل بر تبانی از سوی کارمند دولت با علم و اطلاع از تبانی را جرم‌انگاری کرده است. وقوع جرم اخیر ملازمه‌ای با حضور در تبانی ندارد. پرسش این است که آیا جرم اخیر نیز جرم اقتصادی است یا بنابر نص بند «ث» ماده ۱۰۹ قانون، مرتکب باید عرفاً در تبانی دخالت داشته باشد تا رفتار وی جرم اقتصادی محسوب شود؟

۷. اخذ پورسانت در معاملات خارجی در ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی (مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷) جرم‌انگاری شده است. اگرچه این ماده اخذ پورسانت توسط نیروهای مسلح را نیز پیش‌بینی کرده، بعداً در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹) که قانون مؤخر است، اخذ پورسانت در معاملات خارجی توسط نیروهای مسلح مورد تصریح و تشدید مجازات قرار گرفته است. علاوه بر این جرم از جرایم مذکور در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، جرم ارتشا، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی به‌ترتیب در مواد ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۱۰ و ۱۱۱، ۸۳، ۸۴ و ۸۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. پرسش این است که آیا این جرایم، جرایم نظامی

محسوب می‌شوند و صرفاً تابع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح است یا جرم اقتصادی نیز محسوب شده و تابع مقررات خاص آن نیز خواهد بود؟

۸. «تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت» عنوان جرم خاصی نبوده بلکه عنوان فصل سیزدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. این فصل مشتمل بر ۸ ماده (از ماده ۵۹۸ تا ۶۰۶ کتاب تعزیرات) است که اتفاقاً اولین عنوان مجرمانه ذیل آن «تصرف غیرقانونی در اموال دولتی» موضوع صدر ماده ۵۹۸ کتاب تعزیرات است که همین جرم به عنوان آخرین جرم فهرست جرایم اقتصادی در تبصره ماده ۳۶ مجدداً تکرار شده است که دلیل این امر مشخص نیست. در بین جرایم مذکور در این مواد برخی مانند تدلیس در معاملات دولتی (ماده ۵۹۹ کتاب تعزیرات) یا منظور کردن نفعی برای خود در معاملات دولتی (ماده ۶۰۳ کتاب تعزیرات) ارتباط مستقیمی با نظام اقتصادی دارد، اما برخی از عناوین مذکور در این فصل مانند معدوم یا مخفی کردن اسناد سپرده‌شده به مأمور دولت توسط وی یا تسلیم آنها به غیر (ماده ۶۰۴ کتاب تعزیرات) و اقدام یا اظهار نظر بر خلاف حق و مقررات در مورد یکی از طرفین توسط مأمور دولت (ماده ۶۰۵ کتاب تعزیرات)، تناسب چندانی با عنوان «جرم اقتصادی» ندارد.

ابهام بعدی سایر تعدیات مأموران دولت نسبت به دولت است که در فصل مذکور وارد نشده است. قانون محاسبات عمومی، قانون برنامه و بودجه و قوانین بودجه سالیانه، سرشار از جرم‌انگاری رفتارهایی هستند که تعدی مأمور دولت نسبت به دولت محسوب می‌شوند. آیا مقنن در بند «ج» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی صرفاً جرایم مذکور در فصل سیزدهم کتاب پنجم را مدنظر داشته است یا هر رفتار مجرمانه‌ای که عرفاً تعدی علیه دولت محسوب شود، جرم اقتصادی محسوب می‌شود؟ با توجه به اینکه در متن ماده قانونی هیچ تصریحی بر تخصیص بند مذکور به جرایم فصل سیزدهم وجود ندارد، بعید است که بتوان سایر تعدیات مأموران علیه دولت را از اطلاق این بند خارج کرد.

۹. مراجعه به آخرین قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) نشان می‌دهد که بخش هشتم این قانون از ماده ۱۰۲ تا ۱۱۸ در دو فصل به تخلفات گمرکی و قاچاق پرداخته است. بنا بر نص مواد مذکور هیچ‌یک از رفتارهای مخل نظام گمرکی کشور -غیر از قاچاق که رسیدگی و تعقیب آنها به قوانین مرتبط با قاچاق ارجاع شده است- عنوان مجرمانه ندارد و تمام آنها تخلفات گمرکی‌اند که تعیین جرمه نقدی در برابر این رفتارها در صلاحیت رئیس گمرک محل است. ازاین‌رو در حال حاضر در قوانین موضوعه کشور، هیچ رفتار مجرمانه‌ای که بتوان به آن جرم گمرکی اطلاق کرد، وجود ندارد. نکته جالب در این خصوص این است که تاریخ تصویب قانون مجازات اسلامی مؤخر بر تاریخ تصویب قانون امور گمرکی است، ولی نویسندگان قانون به این نکته توجه نداشته‌اند.

۱۰. عنوان قاچاق کالا و ارز نیز ابهام دارد. نخستین قانونی که به صورت جدی به جرم‌انگاری قاچاق پرداخته، قانون مجازات مرتکبان قاچاق (مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی) است که در آن قاچاق تمام انواع کالاها اعم از کالاهای ممنوع‌الورود و ممنوع‌الصدور و کالاهای انحصاری، اجناس دخانیه، اسلحه و مهمات جنگی و مواد مخدر جرم‌انگاری شده بود. به تدریج برخی از این اقلام با قوانین خاص به صورت مستقل جرم‌انگاری شدند یا به دامنۀ موضوعات قاچاق افزوده شد که مهم‌ترین این قوانین عبارت‌اند از قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت ورود برخی از کالاهای غیرضرور^۱ (مصوب ۱۳۷۴/۶/۲۲)، قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز (مصوب ۱۳۹۰/۶/۲۳)، قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲) و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۱۸).

پرسش این است که آیا تمام جرایم مذکور در این قوانین و هر رفتاری که به موجب قوانین دیگر مانند ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^۲ اطلاق قاچاق به آن می‌شود، جرم اقتصادی محسوب می‌شود؟ به‌ویژه اینکه وفق بند «الف» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود». همچنین بند «ب» همین ماده «کالا» را به هر شیئی که ارزش اقتصادی دارد، تعریف کرده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد با تعریف عرفی و عام کالا، هر رفتاری که قاچاق به آن اطلاق شود، ذیل عنوان قاچاق کالا و ارز قرار می‌گیرد، بنابراین به‌عنوان «جرم اقتصادی» شناخته خواهد شد، زیرا حتی مواد مخدر و بسیاری از کالاهای غیرقانونی و غیرمشروع نیز ارزش اقتصادی عرفی دارند. در این صورت آیا قاچاق کالاهایی مانند مواد مخدر و اسلحه و مهمات، اقتصادی محسوب می‌شوند؟ درحالی‌که به نظر می‌رسد صبغۀ امنیتی این جرایم بیش از صبغۀ اقتصادی آنها باشد. در این زمینه باید توجه داشت

۱. این ماده‌واحدۀ مقرر می‌کند: «از تاریخ تصویب این قانون ورود نوشابه‌های خارجی (ماء‌الشعیر، انواع کولا، نوشابه‌های گازدار، آب میوه، اسباب‌بازی، سیگارهای وارداتی، شکلات، انواع آدامس و سایر شیرینی‌جات ممنوع می‌باشد و واردکنندگان مشمول قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحات بعدی آن می‌شوند. تبصره - آن مقدار که عرفاً به آن سوغات گفته می‌شود و همراه مسافر وارد می‌گردد از شمول این ماده مستثنی می‌باشد.»

۲. ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد.

که ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ناظر بر استثنائات تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای حکم که از معدود موادی است که برای جرم اقتصادی حکم خاص تعیین کرده است، در بند «ت»، جرایم قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان را هم عرض جرایم اقتصادی ذکر کرده است و بدین ترتیب به نظر می‌رسد قاچاق کالاهای مذکور را جرم اقتصادی نمی‌داند.

پرسش بعدی در زمینه جرایمی است که عرفاً قاچاق محسوب نمی‌شوند، ولی در قوانین خاصی در حکم قاچاق محسوب شده‌اند. برای مثال در قانون مجازات مرتکبان قاچاق، جرم ذیل ماده ۱ قانون ناظر بر تولید الكل و ترکیبات الکلی و نوشابه‌های غیرالکلی و آب‌میوه به طریق صنعتی در داخل کشور به نحو غیرمجاز یا عرضه آنها برای فروش قبل از اینکه مالیات مربوط پرداخت یا ترتیب پرداخت آن داده شده باشد، قاچاق محسوب شده است. آیا چنین جرمی، از مصادیق قاچاق کالا و ارز و به تبع آن جرم اقتصادی محسوب می‌شود؟

پرسش دیگر در مورد جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز، مانند عرضه و فروش کالای قاچاق موضوع ماده ۶۲ قانون نظام صنفی کشور (مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۲) یا حمل کالای قاچاق موضوع ماده ۳ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲) است. درحالی‌که اثربخشی سیاست جنایی مبارزه با جرم قاچاق منوط به تسری این سیاست‌ها به چنین تخلفات و جرایم مرتبطی است، بعید است که بتوان به این جرایم، قاچاق کالا و ارز اطلاق کرد و آنها را مشمول عنوان جرایم اقتصادی دانست.

۱۱. در خصوص جرایم مالیاتی، ۸ عنوان مجرمانه در مواد مختلف قانون مالیات‌های مستقیم وجود دارد و یک عنوان مجرمانه نیز در تبصره ماده ۱۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده پیش‌بینی شده است. پرسش این است که آیا جرایم مقرر در قوانین دیگر که به عدم پرداخت مالیات ارتباط داشته باشد، جرم مالیاتی محسوب می‌شود؟ برای مثال آیا جرم موضوع ماده ۴۴ قانون محاسبات عمومی کشور ناظر بر نپرداختن مالیات و سود سهام دولت حداکثر یک ماه پس از تصویب ترازنامه از سوی شرکت‌های دولتی که وفق همان ماده در حکم تصرف غیرمجاز در وجوه عمومی محسوب شده، جرم مالیاتی است یا جرم ذیل ماده ۱ قانون مجازات مرتکبان قاچاق ناظر بر تولید الكل و ترکیبات الکلی و نوشابه‌های غیرالکلی و آب‌میوه به طریق صنعتی در داخل کشور به نحو غیرمجاز یا عرضه آنها برای فروش قبل از اینکه مالیات مربوط پرداخت یا ترتیب پرداخت آن داده شده باشد که در قانون به صراحت قاچاق محسوب شده است، یک جرم مالیاتی است یا خیر؟

۱۲. پولشویی جرم موضوع ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲) است. اگرچه این قانون دارای ابهاماتی است، از نظر نقد موضوع این بند محلی برای بحث ندارد.

۱۳. اخلال در نظام اقتصادی کشور، عنوانی عام است که ملازمه‌ای با حصر آن در جرایم مذکور در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹) ندارد. چنانکه در تبیین مفهوم جرم اقتصادی گفته شد، نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادها، فرایندها و الزامات است که تجاوز به عناصر بنیادین این نظام اقتصادی می‌تواند موجب اخلال در نظام اقتصادی شود که تمام این رفتارها در قانون مذکور ذکر نشده است. جالب اینکه در نظام حقوقی موضوعه ایران، علاوه بر قانون مذکور، اخلال در بخش‌های مهم نظام اقتصادی در قوانین خاص، قبل از قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، به تصویب رسیده‌اند که مهم‌ترین این قوانین عبارت‌اند از: قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن (مصوب ۱۳۲۰/۱/۳۱)، قانون راجع به مجازات اخلال گران در صنایع نفت ایران (مصوب ۱۳۳۶/۷/۱۶)، قانون مجازات اخلال کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور (مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲) و قانون مجازات اخلال گران در صنایع (مصوب ۱۳۵۳/۲/۲).^۱ وابستگی نظام اقتصادی ایران به درآمدهای نفتی موجب می‌شود که صنایع نفتی در ایران نقش بنیادینی در نظام اقتصادی داشته باشند. همچنین در تمام نظام‌های اقتصادی شبکه راه‌آهن، آب، برق، گاز و مخابرات، زیرساخت‌های نظام اقتصادی محسوب می‌شوند. صنایع هر کشور نیز مهم‌ترین بخش تولیدی نظام اقتصادی است، از این رو رفتارهایی که به منظور اخلال در هر یک از بخش‌های مذکور انجام گیرد یا عملاً موجب اخلال در هر یک از آنها شود، بی‌تردید، اخلال در نظام اقتصادی محسوب می‌شود. اما آیا جرایم مذکور در این قوانین مورد نظر مقنن بوده و مشمول عنوان «جرم اقتصادی» می‌شود؟ ظاهر عبارت «اخلال در نظام اقتصادی» آن را به جرایم مذکور در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی محدود می‌کند، اما تفسیر منطقی و توجه به واقعیت‌های اقتصادی، این نتیجه را در پی دارد که اخلال در هر یک از زیربخش‌های اساسی مذکور در قوانین خاص نیز اخلال در نظام اقتصادی محسوب می‌شود.^۲

۱. در برخی دیگر از قوانین مانند قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت (مصوب ۱۳۵۳/۲/۱۷)، قانون شمول قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلال کنندگان در عرضه توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن (مصوب ۱۳۵۴/۲/۳۱)، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها (مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵)، قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱)، قانون معادن (مصوب ۱۳۶۲/۳/۱) و قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳) نیز جرایمی پیش‌بینی شده است که ارتکاب آنها به صورت گسترده می‌تواند از مصادیق اخلال در نظام اقتصادی باشد.

۲. باید توجه داشت که از سوی دیگر در قوانین خاص مذکور، جرایمی وجود دارد که اطلاق جرم اقتصادی به آنها نیز چندان منطقی نیست؛ مانند قتل‌هایی که در جریان هر یک از رفتارهای موجب اخلال در بخش‌های مربوط واقع می‌شود که به موجب ماده ۱ قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن، مواد ۱ تا ۴ قانون راجع به مجازات اخلال گران در صنایع نفت، ماده ۱ قانون مجازات اخلال کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور و ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در صنایع مستوجب اعدام است.

۱۴. آخرین عنوان مجرمانه مذکور در فهرست جرایم اقتصادی، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی است. چنانکه گفته شد این عنوان، داخل در مصادیق تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت بوده و ذکر مستقل آن بلاوجه است. با این حال در مورد این عنوان، یک پرسش مهم وجود دارد. بالغ بر چهل جرم در مجموعه قوانین کیفری ایران به‌ویژه در قانون بودجه سال‌های مختلف وجود دارد که در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی شناخته شده است. آیا این جرایم نیز تحت عنوان «جرم اقتصادی» قرار می‌گیرد؟

پ) فقدان معیار مشخصی برای تمییز جرایم اقتصادی

با اینکه بر حسب ظاهر در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، مصادیق جرایم اقتصادی احصا شده است، چنانکه ملاحظه شد، ابهامات زیادی در تشخیص و تعیین مصادیق جرم اقتصادی وجود دارد. در چنین شرایطی به چند دلیل وجود یک معیار برای تعیین جرم اقتصادی حتی پس از تعیین مصادیق می‌تواند مفید باشد. اولاً در خصوص رفتارهای مجرمانه‌ای که در حکم یکی از مصادیق جرایم اقتصادی است، مانند جرایم در حکم کلاهبرداری یا تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، این ابهام که آیا آن رفتار نیز جرم اقتصادی محسوب می‌شود یا نه، با توجه به یک معیار قابل رفع بود. ثانیاً با توجه به اینکه وضع جرایم اقتصادی برای تدوین سیاست جنایی خاصی در برابر آنها صورت می‌گیرد که نوعی تحمیل هزینه هم بر دولت و هم بر مخاطبان حقوق کیفری است، این سیاست‌ها باید در برابر جرایمی با شدت و اهمیت شایان توجهی اعمال شود. برای مثال در هر یک از مصادیق متیقن جرم اقتصادی نیز اعمال سیاست‌های جنایی خاص در برابر جرایمی که میزان خسارت مادی آنها به یک میلیون ریال هم نمی‌رسد، توجیه‌پذیر به‌نظر نمی‌رسد. به همین دلیل در بخشنامه مذکور ریاست قوه قضاییه (مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۷) در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز علاوه بر تعیین مصادیق جرم اقتصادی، معیار ده میلیارد ریال خسارت ناشی از جرایم مذکور در بخشنامه به‌عنوان معیاری برای تشخیص کلان بودن جرم اقتصادی، تعیین شده است. در این خصوص به‌نظر می‌رسد که ماده ۱۰۹ مزبور، معیاری مبنی بر میزان خسارت به مبلغ یک میلیارد ریال را برای این جرایم تعیین کرده است. بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده» که مراجعه به ماده ۳۶ مذکور نشان می‌دهد که انتشار آرا در جرایم مورد نظر، منوط به این است که مبلغ خسارت ناشی از جرم یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد. از سوی دیگر، بند «ج» ماده ۴۷ همین قانون «جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال» را از شمول نهادهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، مستثنا می‌کند. معیار عددی که در این بند برای جرایم اقتصادی ذکر شده، مبلغ ناچیز و معادل یک دهم مبلغ مقرر در بند «ب»

ماده ۱۰۹ مذکور است که این امر نشان می‌دهد که برای تشخیص جرم اقتصادی تنها مصادیق مذکور در قانون موضوعیت دارد و هیچ میزان از خسارت، ملاک تشخیص جرم اقتصادی نیست. به این ترتیب عدد مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ تنها در خصوص شمول مرور زمان موضوعیت دارد نه تعیین جرم اقتصادی.

ت) عدم جامعیت مصادیق

چنانکه در تبیین مفهوم جرم اقتصادی گفته شد، نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادها، فرایندها و الزامات است که تجاوز به عناصر بنیادین آن می‌تواند جرم‌انگاری شود که مجموعه این رفتارها، جرایم اقتصادی را تشکیل می‌دهد. حتی با فرض اینکه نتوان تعریف اجماعی از «جرم اقتصادی» ارائه کرد، تشخیص مصادیق متیقن و بارز این نوع جرایم، چندان دشوار نیست. این اقدام برای بخش خصوصی اقتصاد در «توصیه‌نامه شماره ۱۲- (۸۱) کمیته وزرای شورای اروپا به دولت‌های عضو در خصوص جرایم اقتصادی (۲۵ ژوئن ۱۹۸۱)» انجام گرفته و فهرست تقریباً جامعی از جرایم اقتصادی در این بخش ارائه شده است. بی‌توجهی به جرایم اقتصادی بخش دولتی در این سند به این دلیل است که در ادبیات حقوقی کشورهای اروپایی، این دسته از جرایم اقتصادی تحت عنوان مستقل فساد اداری-مالی (Corruption) طبقه‌بندی و بحث می‌شود. افزودن این دسته از جرایم مانند رشا و ارتشا، اختلاس، جرایم حوزه خصوصی‌سازی، تقلب، تدلیس و تبانی در معاملات دولتی می‌تواند فهرست جامعی از جرایم اقتصادی در تمام زیربخش‌های آن اعم از بخش عمومی و خصوصی به‌وجود آورد. در این زمینه دو اشکال متوجه مصادیق تعیین‌شده برای جرم اقتصادی در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی است:

مصادیق تعیین‌شده جامع و کامل نیستند و بسیاری از جرایم در این فهرست دیده نشده است. مرور این مصادیق نشان می‌دهد که نه تنها مصادیق مهم جرایم اقتصادی، بلکه مهم‌ترین مصادیق آن نیز در این فهرست لحاظ نشده است. جرایم بانکی و پولی، جرایم بورسی، جرایم مرتبط با خصوصی‌سازی، جرایم شرکتی، جرایم مرتبط با صادرات و واردات، جرایم جعل در اسناد تجاری، جرایم کارتلی و علیه رقابت، جرایم علیه مصرف‌کنندگان، جرایم مالی و اقتصادی رایانه‌ای، جرایم مرتبط با حقوق کارگران و استانداردهای کار و تولید، جرایم علیه محیط زیست، تحصیل مال از طریق نامشروع در مواردی که از میزان مشخصی تجاوز کند، خیانت در امانت در شرکت‌های خصوصی بزرگ مانند بانک‌های خصوصی که اثری مانند اختلاس دارد مهم‌ترین جرایمی‌اند که در این فهرست نادیده گرفته شده‌اند. به‌ویژه در سال‌های اخیر آنچه نظام اقتصادی ایران را دچار اختلال کرده، بیشتر در حوزه بانکی، خصوصی‌سازی، جرایم شرکتی و جرایم مرتبط با صادرات و واردات بوده است که در فهرست بند «ب» ماده ۱۰۹ مذکور، لحاظ نشده‌اند. شایان ذکر است بدون

احتساب جرایم خاص نظامی و تعزیرات، در حال حاضر حدود ۱۶۰۰ عنوان مجرمانه در قوانین ایران وجود دارد که با احتساب حدود ۱۵۰ جرم نظامی و ۱۰۰ مورد تعزیرات این میزان به ۱۸۵۰ عنوان بالغ می‌شود. حدود ۷۲۰ عنوان از ۱۶۰۰ عنوان و ۸۳۰ عنوان از ۱۸۵۰ عنوان مذکور، مرتبط با نظام اقتصادی است.^۱

برخی از عناوین موجود در فهرست دچار نقص‌اند و برای حمایت کیفری از نظام اقتصادی در حوزه مربوط کفایت ندارند. برای مثال «فرار مالیاتی» به‌عنوان مهم‌ترین جرم مالیاتی، در حال حاضر در نظام حقوقی ایران به‌صورت جامعی جرم‌انگاری نشده است. مهم‌ترین تعدیات مأموران دولتی در فصل سیزدهم کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی وارد نشده است و در قوانین دیگری مانند قانون محاسبات عمومی و قوانین بودجه سالیانه ذکر می‌شود که شمول عنوان جرم اقتصادی نسبت به آنها محل تردید است.

نتیجه‌گیری

بررسی مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که این مفهوم بدون مبانی نظری و حتی بدون توجه به تجربیات عملی نظام اقتصادی و رفتارهای مجرمانه‌ای که در حال حاضر اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، وارد قانون شده است. با اینکه قانون تلاش کرده است که مصادیق جرم اقتصادی را احصا کند و سیاست کیفری قهرآمیزی با این دسته از جرایم اتخاذ کند، ولی در این راه موفق نبوده است. تشخیص مصادیق جرایم اقتصادی با ابهامات زیادی مواجه است و دامنه دقیق این جرایم مشخص نیست. مهم‌ترین مصادیق جرایم اقتصادی مانند جرایم بانکی و حوزه تأمین سرمایه در این مفهوم نادیده گرفته شده است و در واقع وضع مفهوم جرم اقتصادی و احصای مصادیق آن بیش از آنکه بازدارنده باشد، به نفع مجرمان اقتصادی واقعی که اغلب در حوزه‌های مسکوت قانون فعالیت می‌کنند، است، زیرا وفق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات امکان تسری عنوان جرم اقتصادی به رفتار ایشان وجود ندارد. ضمن اینکه معیار خاصی برای تشخیص تمام مصادیق جرم اقتصادی ارائه نشده و سیاست کیفری مبارزه با این جرایم نیز به سه حکم پراکنده محدود شده است، درحالی‌که در اغلب کشورهای دنیا با توجه به اهمیت موضوع، بسته سیاستی کاملی اعم از اصلاحات ساختاری، سیاست‌های پیشگیرانه و سیاست کیفری قهرآمیز و بازدارنده در برابر این جرایم اتخاذ و اعمال می‌شود. همچنین با توجه اینکه این مفهوم مشتمل بر

۱. اعداد مذکور طی پژوهشی که کارشناسان مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ برای احصا و طبقه‌بندی تمام عناوین مجرمانه نظام حقوق کیفری ایران انجام دادند به‌دست آمده است (قلی‌زاده و توکل‌پور، ۱۳۹۲).

جرمانگاری نیست، هیچ ارزش افزوده‌ای برای مشکلات جاری و مسکوت نظام اقتصادی ندارد؛ برای مثال در حوزه جرایم بانکی دریافت تسهیلات با اسناد معجول هویتی و رهنی و اظهارات خلاف و بدون داشتن شرایط مقرر قانونی، سپردن وثایق فاقد اعتبار یا کم‌اعتبار، سوء استفاده از اشخاص حقوقی صوری با ذی‌نفعان واحد، انحراف در موضوع تسهیلات دریافتی و استفاده از آن در حوزه‌ای غیر از هدف مصوب در قانون یا قرارداد بانک، استفاده از تسهیلات دریافتی از بانک‌های داخلی در سرمایه‌گذاری خارج از کشور بدون مجوز قانونی یا قراردادی، عدم بازپرداخت عامدانه اقساط تسهیلات از سوی دریافت‌کنندگان، دریافت تسهیلات مضاعف برای اسناد واحد، ادعای ورشکستگی واهی از سوی بدهکاران کلان بانکی برای فرار از پرداخت تمام یا بخشی از تسهیلات، رفتارهای عمده‌ای هستند که به نظام بانکی کشور آسیب وارد کرده است^۱ و هنوز در نظام حقوقی ایران جرم‌انگاری نشده‌اند و کماکان زمینه‌های لازم برای اخلاص در نظام اقتصادی را به‌وجود می‌آورند.

با توجه به اشکالات مذکور، مفهوم ارائه‌شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است و باید به این منظور بسته سیاستی کاملی مشتمل بر مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری تا اقدامات قهرآمیز کیفری تدوین شود که در آن تعریف دقیقی از جرم اقتصادی ارائه شده و علاوه بر احصا و تدوین عناوین مجرمانه اقتصادی، حوزه‌های سکوت و ابهام قانون نیز رفع شود. تا زمان تدوین چنین مجموعه‌ای مطلوب است با ذکر اشکالات مذکور استفساریه‌ای از مجلس اخذ شود که طی آن مجلس شورای اسلامی، بر تمثیلی بودن مصادیق مذکور در بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کند. در این صورت بخش شایان توجهی از اشکالات مذکور رفع خواهد شد.

۱. اغلب جرایم بانکی مذکور، در بیشتر کشورهای در حال گذار جرم‌انگاری شده‌اند و حقوق کیفری اقتصادی این کشورها نسبت به این جرایم حساسیت زیادی دارند. وفق نتایج حاصل از پیمایش‌های جهانی در خصوص جرایم اقتصادی، بانک‌ها و بیمه‌ها در صدر آماج جرایم اقتصادی قرار دارند. در پیمایش جهانی سال ۲۰۰۳ مؤسسه PricewaterhouseCoopers از میان شرکت‌های پرسش‌شونده ۵۴ درصد از بانک‌ها و ۴۹ درصد از بیمه‌ها پاسخ دادند که در سال قبل از پیمایش بزه‌دیده جرم اقتصادی مهمی بوده‌اند که این میزان در مقایسه با میانگین ۴۴ درصد تمام شرکت‌ها بیشترین نرخ بوده است. (برای اطلاع از جرم‌انگاری جرایم بانکی مذکور در کشورهای در حال گذار جنوب شرقی اروپا مانند کرواسی، صربستان و بوسنی ر.ک: Council of Europe, 2006: 54. همچنین برای اطلاع بیشتر از نتایج پیمایش جهانی مزبور ر.ک: PricewaterhouseCoopers, 2003: 6).

منابع

الف) فارسی

۱. آکرمن، سوزان رز (۱۳۸۵)، فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری، چ اول، تهران: پردیس دانش.
۲. آکرمن، سوزان رز (۱۳۸۸)، فساد و دولت: علل، نتایج و اصلاحات، چاپ‌شده در مجموعه مقالات «قدرت، فساد و فرصت‌های اجتماعی»، ترجمه و ویرایش حسین راغفر، چ دوم، تهران: نشر نقش و نگار.
۳. برنارد، تامس، جفری اسنیپس، الکساندر جرولد (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی نظری ولد، ترجمه علی شجاعی، چ اول، تهران: دادگستر.
۴. حسنی، جعفر (۱۳۹۳)، معیارهای جرم‌انگاری اقتصادی در نظام اقتصادی مختلط، رساله دکتری به راهنمایی دکتر نسرين مهرا، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۵. دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹)، مفهوم جرم/اقتصادی و تحولات آن، تعالی حقوق، سال دوم، ش ۶.
۶. دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چ سوم، تهران: نشر مرکز.
۷. رنایی، محسن (۱۳۸۹)، بازار یا نابازار، چ سوم، تهران: نشر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸. سن، آمارتیا (۱۳۹۱)، توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمدسعید نوری نائینی، چ چهارم، تهران: نشر نی.
۹. قلی‌زاده، ابوالفضل؛ توکل‌پور، محمدهادی (۱۳۹۲)، شناسایی و طبقه‌بندی عناوین مجرمانه، چ اول، تهران: نشر مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه.
۱۰. کریم‌زاده، مصطفی؛ خدیجه نصراللهی؛ صمدی، سعید؛ دلالی اصفهانی؛ رحیم؛ فخار، مجید (۱۳۸۸) بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران تأثیرگذاری رابطه مبادله بر ساختار سرمایه‌گذاری، اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ش ۲۳.
۱۱. نظری، محسن؛ اصغر مبارک (۱۳۸۹)، وفور منابع طبیعی بیماری هلندی و رشد اقتصادی در کشورهای نفتی، مطالعات اقتصاد انرژی، ش ۲۷.
۱۲. یدالله‌زاده طبری، ناصر (۱۳۷۹)، درآمدهای نفتی و بیماری هلندی/ تحولات ساختاری اقتصاد ایران طی دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۳ و ۱۵۴.

ب) انگلیسی

13. Alvesalo, Anne and Tombs, Steve, (2004), *Economic Crime Control in Finland*, Journal of Sociology (Sage publications), Vol. 38, No. 1
14. Alvesalo, Anne and Tombs, Steve, (2002), *Working For Criminalization of Economic Offending: Contradictions for Critical Criminology?*, Journal of Critical Criminology, Vol. 11
15. Bernburg, Jon Gunnar, (2002), *Anomie, Social Change and Crime*, British Journal of Criminology, Vol. 42
16. Bruinsma, Gerben & Bernasco, Wim, (2004), *Criminal groups and transnational illegal markets (A more detailed examination on the basis of Social Network Theory)*, Journal of Crime, Law & Social Change (Kluwer Academic Publishers), Vol. 41
17. Budima, Gjenez, (2006), *Can corruption and economic crime be controlled in developing economies, and if so, is the cost worth it?*, Journal of Financial Crime, Vol. 13, No. 4
18. Bussmann, Kai-D. & Werle, Markus M., (2006), *Addressing Crime In Companies (First Findings from a Global Survey of Economic Crime)*, British Journal of Criminology, Vol. 46
19. Council of Europe, (2006), *Situation Report on Organized and Economic Crime in South-Eastern Europe*, Strasbourg
20. Davies, Pamela A., (2003), *Is Economic Crime a Man's Game?*, Feminist Theory (SAGE publications), Vol. 4, No. 3

21. Karstedt, Susanne and Farrall, Stephen, (2006), *The Moral Economy of Everyday Crime (Markets, Consumers and Citizens)*, British Journal of Criminology, Vol.46
22. Pratt, Richard, (2004), *Economic Crime- the Financial System as a Victim*, Journal of Financial Crime (Henry Stewart Publication), Vol. 12, No. 1
23. PricewaterhouseCoopers, (2003), *Global Economic Crime Survey 2003*, available at: https://www.pwc.com/gx/en/economic-crime-survey/pdf/pwc_2003gecs.pdf
24. Recommendation: No. R (81) 12 of the Committee of Ministers to Member States on Economic Crime (25 June 1981)
25. Rosenfeld, Richard & Messner, Steven F, (2013), *Crime and the Economy*, Los Angeles: SAGE publications
26. Webb, Philippa, (2005), *The United Nations Convention Against Corruption (global achievement or missed opportunity)*, Journal of International Economic Law, Vol. 8, No.1